

# فصل اول:

## کلیات

## مقدمه

نگرش افراد جامعه درباره جرایم تا حد بسیار زیادی تحت تاثیر رسانه‌هاست، بویژه که جرم از آن نوع تجاربی است که معمولاً افراد تجربه چندان مستقیمی نسبت به آن ندارند. جرم پدیده‌ای است که به صورت بسیار پنهان در جامعه رخ می‌دهد و امروزه اکثر افراد جامعه از طریق رسانه است که از وقوع آن آگاه می‌شوند. اگر رسانه‌ها بتوانند تصویری واقع‌بینانه، دقیق و بدون تحریف از جرم ارائه دهند و آن را در بستر عوامل علی و شرایط زمینه‌ساز آن تحلیل کنند، خواهند توانست نگرش افکار عمومی نسبت به آن را به درستی شکل دهند و بدین وسیله زمینه را برای تدوین و اعمال سیاست‌ها و راهکارهای مؤثر و کارآمد در مقابله و پیشگیری از جرایم فراهم کنند. اگر رسانه‌ها چنین تصویر دقیق و صحیحی از جرایم ارائه نکنند، افراد درک درستی از پدیده جرم و به طور کلی روندهای جامعه نخواهند داشت. چنین درک نادرستی غالباً به اتخاذ تصمیمات فردی و جمعی نادرستی می‌انجامد که پیامدها و هزینه‌های بسیاری برای جامعه دربرخواهد داشت.

طرح حاضر می‌کوشد نحوه بازتاب جرایم در چهار روزنامه کثیرالانتشار ایران در سال ۱۳۸۵ را بررسی کند و دریابد در این روزنامه‌ها چه تصویری از جرایم ارائه شده است. روزنامه‌های ایران، جام جم، اطلاعات و کیهان چهار روزنامه‌ای هستند که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در این طرح همچنین تلاش می‌شود تا با مراجعه به آمارها و داده‌های رسمی در خصوص جرایم تصویر رسانه‌ای جرم در چهار روزنامه یادشده با تصویر آماری و رسمی از جرم مقایسه شود.

## طرح مسأله

در دنیای امروز بسیاری از تجربیات ما از واقعیت‌های اجتماعی مبتنی بر رسانه‌هاست. به باور بسیاری از صاحب‌نظران رسانه‌های همگانی یک نقش واسطه‌ای را بین واقعیت‌های عینی اجتماعی و تجربه‌های شخصی ایفا می‌کنند. براساس این دیدگاه رسانه‌ها نقش وساطت خود را به اشکال مختلف ایفا می‌کنند. گاه آنها پنجره‌ای بر تجربه هستند که می‌توانند دید ما را گسترش دهند تا آنچه را که در اطرافمان می‌گذرد، مستقیماً مشاهده کنیم. برخی دیگر رسانه‌ها را یک آینه می‌دانند، بدین معنی که تصویر جامعه را به خود جامعه منعکس می‌کنند. تصویری که معمولاً تا حدودی تحریف شده است (مک‌کوایل، ۱۳۸۵: ۸۴). امروزه بسیاری از واقعیت‌ها را نمی‌توان مستقیماً و بدون دخالت واسطه‌ها (رسانه‌ها) تجربه کرد و تنها راه تجربه و کسب شناخت درباره این واقعیت‌ها توسل به رسانه‌های جمعی است. در چنین شرایطی ذهنیت و تصور عموم افراد جامعه از واقعیت موجود براساس بازنمایی‌های رسانه‌ای شکل خواهد گرفت. رسانه‌های جمعی در اینگونه موارد حتی تاثیر دیگر نهادهای جامعه مثل خانواده، مدرسه و... را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. حال اگر بازنمایی رسانه‌ای از چنین واقعیاتی مخدوش و تحریف‌شده باشد، ذهنیت و تصور افراد جامعه از این واقعیت‌ها نیز به خطا خواهد رفت.

یکی از مهمترین واقعیت‌ها و پدیده‌هایی که معمولاً کمتر به تجربه مستقیم و شخصی افراد می‌آید، جرایم و جنایت‌ها هستند. فقط تعداد بسیار اندکی از ما مستقیماً و بی‌واسطه شاهد انجام یک قتل، آدم‌ربایی، تجاوز به عنف، درگیری‌های خشونت‌آمیز و غیره بوده‌ایم و تجربیات و اطلاعات ما در این مورد کاملاً مبتنی بر رسانه‌هاست. بی‌آنکه تاکنون مستقیماً نظاره‌گر چنین رویدادهایی باشیم، هر روز در این‌باره چیزهایی از تلویزیون می‌بینیم، از رادیو می‌شنویم و بویژه از مطبوعات و رسانه‌های نوشتاری می‌خوانیم. رسانه‌ها با انعکاس اخبار مربوط به جرایم و پدیده‌های جنایی نگرش خاصی را به افراد تحمیل می‌کنند و ذهنیت آنها را درباره

موضوعاتی از این قبیل شکل می‌دهند. رسانه‌ها می‌توانند از موضوعی کم‌اهمیت سوژه‌ای بسیار مهم بسازند و یا بالعکس رویدادهای بسیار مهم را خنثی و بی‌اهمیت نشان دهند. بسیاری از رسانه‌ها با تأکید و برجسته کردن برخی جرایم و رویدادهای جنایی درصدد جلب مخاطبان بیشتر و در نتیجه کسب درآمد بیشتر هستند، چرا که انتشار چنین مطالبی باعث ارضای حس کنجکاوی خوانندگان می‌شود و بنا به گفته ویلبر شرام برای آنان نوعی پاداش آنی در بردارد (بدیعی و قندی، ۱۳۸۲: ۴۷). در پیش گرفتن چنین رویکرد سوداگرانه‌ای توسط رسانه‌ها پیامدهای بسیاری در بردارد که از آن میان می‌توان به تشدید احساس ناامنی در مخاطب، ترویج بزهکاری و تشویق افراد مستعد به ارتکاب جرم را نام برد.

طرح حاضر می‌کوشد با انجام یک تحلیل محتوای کمی نحوه بازتاب جرایم در چهار روزنامه ایران، جام‌جم، کیهان و اطلاعات را در سال ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار دهد.

این پژوهش در پی پاسخ به این سوالات است:

۱. چه تفاوتی میان آمار ارائه شده از جرایم توسط منابع رسمی و نرخ رسانه‌ای جرم وجود دارد؟ آیا میان آمار ارائه شده توسط منابع رسمی از جرایم جوانان و نرخ رسانه‌ای جرایم مربوط به جوانان تفاوتی وجود دارد؟
۲. هر کدام از چهار روزنامه اطلاعات، کیهان، ایران و جام‌جم به چه میزان اقدام به انتشار اخبار و مطالب مربوط به جرایم می‌کنند؟ چه میزان از این اخبار و مطالب به جرایم جوانان اختصاص یافته است؟
۳. هر کدام از روزنامه‌های یاد شده جرایم و رویدادهای جنایی را تا چه حد برجسته کرده‌اند؟ جرایم مربوط به جوانان تا چه حد برجسته شده است؟
۴. رویکرد هر کدام از روزنامه‌ها در پوشش جرایم و پدیده‌های جنایی بیشتر توصیفی بوده است یا تحلیلی؟ به عبارت دیگر هر کدام از روزنامه‌ها تا چه میزان به ارائه اخبار و گزارشات توصیفی از

جرایم پرداخته اند و تا چه میزان به انتشار اخبار و گزارشات تحلیلی؟ رویکرد یادشده در مورد جرایم جوانان چگونه بوده است؟

## اهمیت و ضرورت موضوع

### ۱- اهمیت و ضرورت عملی موضوع

در مورد اهمیت و ضرورت عملی این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که رسانه‌های ایران در زمینه انعکاس جرایم و پدیده‌های جنایی کمی متفاوت عمل می‌کنند. از یک طرف رسانه تلویزیون که کاملاً دولتی است کمتر به چنین وقایع و رویدادهایی می‌پردازد. در مطبوعات می‌توان عکس این قضیه را مشاهده کرد. در اکثر روزنامه‌های ایران صفحه‌ای به نام «صفحه حوادث» وجود دارد که اغلب مطالب و اخبار مربوط به جرایم در آنجا انعکاس می‌یابد. اما در منابع لاتین حتی نامی از چنین صفحه‌ای که در بسیاری از نشریات ایرانی حضور سنگین آن را می‌توان احساس کرد به میان نیامده است. (میرفخرایی، ۱۳۸۵: ۱۷۹) صفحه حوادث یکی از پر مخاطب‌ترین صفحات نشریات در ایران است. پژوهش‌ها نشان داده است که موفقیت بسیاری از روزنامه‌های سراسری، هفته‌نامه‌ها و مجلات نیز به دلیل توجه خاص به انعکاس اخبار حوادث و پاسخگویی به این نیاز مخاطبان بوده است. یکی از دلایل موفقیت روزنامه ایران، هم در آغاز راه و هم در ادامه انتشار طی یک دهه، صفحه حوادث قوی و توجه ویژه به این موضوعات بوده است. جهش تیراژ روزنامه جام‌جم پس از حدود یک سال که از انتشار آن می‌گذشت، ناشی از انتشار ویژه‌نامه‌های روزانه، ویژه‌ضمیمه «تپش» در روزهای چهارشنبه بود که به موضوع حوادث اختصاص داشت. بیش از یک دهه پیش در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ هفته‌نامه حوادث که با اتکا به تجربه‌های حرفه‌ای و نیازسنجی اجتماعی منتشر می‌شد، با تیراژی که به سه هزار نسخه نزدیک شد، فضای مطبوعاتی ایران را به شدت تحت تاثیر قرار داد. (گرانپایه، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

بر این اساس می‌توان ادعا کرد که مطبوعات ایرانی نقش بسیار عمده‌ای را در شکل‌گیری ذهنیت و تصور افراد جامعه درباره جرایم و پدیده‌های جنایی ایفا می‌کنند. اگر این تصویر رسانه‌ای تصویری مخدوش و تحریف‌آمیز باشد، بدیهی است که نتیجه‌ای جز تشدید احساس ناامنی و ترسیم جامعه‌ای پر از جرم و جنایت نخواهد داشت. بنابراین بررسی نحوه بازنمایی جرایم در این چهار روزنامه از دیدگاه رسانه‌ای می‌تواند حائز اهمیت بسیار باشد.

در این طرح بنا بر سه دلیل بر جرایم جوانان تاکید شده است: اول اینکه جرم‌شناسان معتقدند مهمترین گروه سنی از نظر میزان کجروی و بزه‌دیدگی و خطرآفرینی رفتارها گروه سنی جوانان است، بالا بودن سطح جنایت برای طبقات سنی جوان پدیده‌ای است سخت پایدار. ویژگی‌های کجروی در این گروه سنی، آنان را بیش از هر طیف دیگری خطرآفرین جلوه می‌دهد؛ و سبب می‌شود که میزان بازداشت این گروه در سطحی بسیار بالاتر از دیگر گروه‌های سنی جامعه باشد. برای نمونه، از یک سو میزان ارتکاب جرایم و تنوع و خطرآفرینی موارد آن در این دوران بیش از دیگر گروه‌های سنی است؛ اهمیت این وضعیت تا آنجاست که این سنین معمولاً سنین «بحران ارتکاب جرم» نامیده می‌شود؛ و در این خصوص برخی آمارها حاکی از ارتکاب حدود ۲۱ درصد کل جرایم حساس و ۴۶ درصد جرایم مربوط به اموال توسط گروه‌های سنی کمتر از ۱۸ سال است. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵:۱۲۳)

دلیل دوم این است بنا بر سرشماری آماری سال ۱۳۸۵ بیش از ۳۵ درصد جمعیت ایران در حال حاضر جوان هستند. جمعیت کل کشور به روایت این سرشماری ۷۰۴۹۵۷۸۲ نفر است و که از این تعداد ۲۴۹۶۳۱۳۵ نفر در گروه سنی جوانان (بین ۱۵ تا ۲۹ سال) قرار دارند (سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۵). بدیهی است که وجود چنین

نسبت جمعیتی بالایی از جوانان تأثیرات مهمی در ارتکاب جرایم در سطح جامعه خواهد داشت. با این شرایط انتظار می‌رود جرایم جوانان نیز بازتاب‌های رسانه‌ای گسترده‌ای به همراه داشته باشد.

دلیل سومی که بر اهمیت توجه به بازتاب رسانه‌ای جرایم جوانان می‌افزاید این است که بنا بر نظریه هراس اخلاقی، رسانه‌ها جرایم برخی گروه‌های خاص از جمله جرایم مربوط به خرده فرهنگ‌های جوانان را برجسته‌تر جلوه می‌دهند و بدین ترتیب هراس افراد جامعه از این گروه‌ها را تشدید می‌کنند. (Munie, 1996: 50)

## ۲- اهمیت و ضرورت علمی موضوع

در مورد ضرورت و اهمیت علمی پژوهش حاضر به ترتیب هر سوال نکاتی ذکر می‌شود:

- چه تفاوتی میان آمار ارائه شده از جرایم توسط منابع رسمی و نرخ رسانه‌ای جرم وجود دارد؟ آیا میان آمار ارائه شده توسط منابع رسمی از جرایم جوانان و نرخ رسانه‌ای جرایم مربوط به جوانان تفاوتی وجود دارد؟

منظور از نرخ رسانه‌ای جرم فراوانی و نسبت هر کدام از جرایمی است که رسانه‌ها به انعکاس آن پرداخته‌اند. مثلاً شلی راجرز و استر تورسن با تحلیل محتوای روزنامه لوس‌آنجلس تایمز دریافتند بیش از ۱۸ درصد از مطالب و اخبار مربوط به جرایم در این روزنامه به جرم قتل اختصاص یافته است، اما آمار رسمی پلیس در دوره مورد بررسی حاکی از آن است که جرم قتل فقط یک درصد از کل جرایم منطقه لوس‌آنجلس را تشکیل داده است. (Rodgers & Thorson, 2001: 176)

هم اکنون در ایران سه تولیدکننده آمار رسمی جرم وجود دارد که می‌توان با مراجعه به آنها و مقایسه آمار رسمی با نرخ رسانه‌ای جرم به تفاوت میان این دو پی برد:

- دفتر آمار و پردازش داده‌های وزارت دادگستری

- اداره آمار معاونت طرح و برنامه‌ریزی نیروی انتظامی

- سازمان زندانها و اقدامات تامینی کشور

بخشی از اطلاعاتی که مراکز سه‌گانه بالا درباره جرایم تولید می‌کنند در قالب نشریه‌های آماری در اختیار همگان قرار می‌گیرد. مهمترین این نشریات عبارت است از: «سالنامه آماری کشور» و «آمارنامه‌های استان» (اجلالی، ۱۳: ۱۳).

اهمیت این کار در این است که نشان خواهد داد روزنامه‌های فوق‌الذکر در انعکاس اخبار جرایم تا چه حد مبالغه‌آمیز و تا چه حد دقیق عمل کرده‌اند. البته بدیهی است که در استناد علمی به آمارهای رسمی باید ملاحظات خاصی را مد نظر قرار داد.

- هر کدام از چهار روزنامه اطلاعات، کیهان، ایران و جام‌جم یادشده به چه میزان اقدام به انتشار اخبار و مطالب مربوط به جرایم می‌کنند؟ چه میزان از این اخبار و مطالب به جرایم جوانان اختصاص یافته است؟

جرم بنا بر ماهیت و ارزش‌های خبری خاص خود قدرت بالقوه زیادی برای جلب توجه رسانه‌ها دارد. پژوهش‌های مختلف نشان داده است که جرم تقریباً بیش از هر موضوع دیگری می‌تواند مورد توجه رسانه‌ها قرار بگیرد. گفته می‌شود حدود یازده درصد از کل مطالب خبری به نحوی مربوط به جرایم است که براین اساس جرم چهارمین موضوع مورد توجه رسانه‌ها است. (Chermak, 1994: 565). پژوهش دیگری نیز حاکی از این است که اخبار جنایی حداقل ۴ درصد، حداکثر ۲۸ درصد و به طور متوسط ۷ درصد از مطالب روزنامه‌ها را تشکیل می‌دهد. (فرجیها، ۱۳۸۵: ۵۸)



به نظر می‌رسد با روش تحلیل محتوای کمی به سادگی می‌توان رتبه جرم را در میان دیگر موضوعات مورد توجه مطبوعات ایران دریافت. به همین نحو می‌توان مشخص کرد که جرایم مربوط به جوانان تا چه حد مورد توجه مطبوعات قرار دارند. آیا همچنان که بیشترین جرایم در گروه سنی جوانان رخ می‌دهد، جرایم این گروه سنی بیش از دیگر گروه‌های دیگر در مطبوعات انعکاس می‌یابد؟

- هر کدام از روزنامه‌ها جرایم و رویدادهای جنایی را تا چه حد برجسته کرده‌اند؟ رویدادها و جرایم مربوط به جوانان تا چه حد برجسته شده‌اند؟

پژوهش‌ها نشان داده است که هر چه روزنامه‌ها فضای بیشتری را به مطالب و اخبار مربوط به جرایم و پدیده‌های جنایی اختصاص دهند و به اصطلاح آنها را برجسته‌تر کنند، ترس مخاطبان از اینکه مبادا قربانی یک جرم شوند، بیشتر می‌شود. (Rodgers & Thorson, 2001: 171)

با توجه به اینکه گفته شد دو روزنامه جام‌جم و ایران موفقیت خود را مدیون انتشار اخبار مربوط به جرایم و جنایت‌ها هستند، می‌توان برای پی بردن به صحت این ادعا نحوه برجسته‌سازی اخبار و مطالب مربوط به جرایم در هر کدام از این دو روزنامه را بررسی و آن را با دو روزنامه کیهان و اطلاعات مقایسه کرد.

بعلاوه چنان که اشاره شد بنا بر نظریه هراس اخلاقی رسانه‌ها جرایم برخی گروه‌های خاص از جمله جرایم جوانان را در مقیاس وسیع‌تری پوشش می‌دهند و با این کار بر ترس افراد جامعه از این گروه‌ها دامن می‌زنند. (Munie, 1996: 50)

- رویکرد هر کدام از روزنامه‌ها در پوشش جرایم و پدیده‌های جنایی بیشتر توصیفی بوده است یا تحلیلی؟ به عبارت دیگر هر کدام از روزنامه‌ها تا چه میزان به ارائه اخبار و گزارشات توصیفی از جرایم پرداخته‌اند و تا چه میزان به انتشار اخبار و گزارشات تحلیلی؟

جرم‌شناسان معتقدند اخبار و مطالب رسانه‌ها در مورد جرایم بیشتر جنبه توصیفی دارد تا تحلیلی. در اکثر اخبار و مطالب فقط نحوه انجام جرم به تصویر کشیده می‌شود و کمتر به علل و پیامدهای آن پرداخته می‌شود. به باور جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان جرایم پدیده‌هایی پویا و دارای الگوهای علی خاص هستند. انتشار مطالب توصیفی از جرایم باعث می‌شود که مخاطبان جرایم را به شکل رویدادهای جدا از هم و آنی تلقی کنند و از زمینه‌های وقوع جرم و الگوهای علی آن بی‌خبر باشند. معمولاً در چنین اخبار و گزارشاتی رابطه جرم با مسائلی مانند مشکلات اقتصادی، فقر، بیکاری و غیره نادیده گرفته می‌شود. (Rodgers & Thorson, 2001: 171).

برخی نیز هشدار می‌دهند که انتشار مطالب توصیفی از نحوه ارتکاب جرم ممکن است زمینه ارتکاب جرم را فراهم کند و باعث تقلید رفتار مجرمانه شود. (فرجیها، ۱۳۸۵: ۷۱)

از آنجا که قرار داشتن جوانان در سنین جامعه‌پذیری، امکان اصلاح رفتار آنان را تقویت می‌کند؛ همین نکته سبب می‌شود که جامعه، نوع برخورد با آنان را از نحوه مقابله با کجروان بزرگسال متمایز کند. به همین دلیل تلقی درست و درک پیچیدگیهای جرایم در مورد جوانان می‌تواند به خانواده و دیگر نهادهای جامعه کمک کند تا برخورد صحیح‌تری با جرایم جوانان داشته باشند و در پیشگیری از این نوع جرایم نیز تمهیدات موثرتری را به کار گیرند.

## تاریخچه

روند گزارش مطالب مربوط به جرایم به عنوان خبر از انگلستان شروع شد و سپس آمریکاییان آن را در اوایل قرن نوزدهم پی گرفتند. قبل از تولد اولین روزنامه یکشنبه در انگلستان در ۱۸۳۰ میلادی، اخبار جرم بر الواح کاغذی<sup>۱</sup> منتشر می‌شد. یکی از آخرین و موفق‌ترین این الواح در دهه ۱۸۲۰ منتشر می‌شد. «آخرین سخنان و

---

<sup>۱</sup> - Broadsheet

اعترافات قبل از مرگ»<sup>۲</sup> قاتل ماریا مارتین<sup>۳</sup> در انگلستان بیش از یک میلیون و صدهزار نسخه به فروش رفت. الواح کاغذی جزئیات رفتار فرد محکوم را که در جایگاه اعدام ایستاده بود، توصیف می‌کردند: پرفروش‌ترین نسخه‌ها مربوط به لحظه اعدام فرد مجرم بود. این نسخه‌ها حاوی آخرین اعترافات قاتلان و نیز توصیف نحوه اعدام آنها بود. (Katz, 1987:53)

در اواسط قرن نوزدهم بنیامین دی<sup>۴</sup> نشریه‌ای به نام نیویورک‌سان<sup>۵</sup> را منتشر کرد و هر نسخه آن را به قیمت یک پنی فروخت. دیگران هم کار او را تقلید کردند و نشریات یک‌پنی<sup>۶</sup> در آمریکا پدیدار شد (شکرخواه، ۱۳۸۲: ۱۵۴). گرچه بنیامین دی را به عنوان مبدع اخبار جرم در آمریکا می‌شناسند، اما حقیقت این است که اخباری از این دست حتی قبل از ظهور مطبوعات یک پنی در آمریکا رواج داشته است. مثلاً در تابستان ۱۸۳۰ جیمز گوردون بنت<sup>۷</sup> از طرف نشریه کوری‌یراندانکواپیر<sup>۸</sup> به ماساچوست فرستاده شد تا محاکمه جنجالی قاتلی را پوشش دهد. بعدها بنت در مقام ناشر روزنامه نیویورک‌هرالد<sup>۹</sup> نه تنها سرمقاله می‌نوشت و اخبار بازار بورس را پوشش می‌داد، بلکه اخبار و مطالبی را منتشر می‌کرد که «سکس، جرم، و تخلفات افراد طبقات بالای جامعه» در آن برجسته بود. گزارش‌های هرالد از قتل فاحشه‌ای در نیویورک در ۱۹۳۶ این روزنامه را به برترین روزنامه آن شهر تبدیل کرد. هرالد توانست این موقعیت خود را دهه ۱۸۸۰ حفظ کند. نشریات دیگر نیز از سان آموختند که اخبار جرم در میان عامه مردم بسیار پرتعداد است. (Johnstone & others, 1994: 860)

---

<sup>2</sup> - Last Dying Speech and Confession

<sup>3</sup> - Maria Marten

<sup>4</sup> - Benjamin Day

<sup>5</sup> - New York Sun

<sup>6</sup> - penny press

<sup>7</sup> - James Gordon Bennet

<sup>8</sup> - Courier and Enquirer

<sup>9</sup> - New York Herald

در فرانسه نیز روزنامه لپوتی ژورنال<sup>۱۰</sup> اولین روزنامه فرانسه نیز چند روز به طور پیاپی کشتار جمعی اعضای یک خانواده را که توسط شخصی معروف به تروپمان<sup>۱۱</sup> به قتل رسیده بودند، منتشر کرد. واقعه در ۱۸۶۹ روی داد و این روزنامه جریان ماقوع را در سه صفحه به چاپ رساند. روز پس از اعلام این جنایت در آن شماره روزنامه تیراز به ۴۰۳ هزار و ۹۵۰ نسخه افزایش یافت، سپس با پیدا شدن هفتمین جسد تیراز به ۴۴۸ هزار و ۳۰۰ نسخه و با یافتن هشتمین جسد به ۴۶۷ هزار رسید. رقمی که در آن تابستان در فرانسه بی سابقه بود. (گیتا علی آبادی، ۱۳۷۲: ۱۸)

بعدها که روزنامه نگاری جنجالی<sup>۱۲</sup> توسط جوزف پولیتزر<sup>۱۳</sup> و ویلیام راندولف هرست<sup>۱۴</sup> در اواخر قرن نوزدهم پی نهاده شد و نیز در دهه ۱۹۲۰ که روزنامه نگاری خشن و جنجالی<sup>۱۵</sup> به وجود آمد، بر اهمیت اخبار جرم و حوادث افزوده گشت.

### ورود اخبار خشونت آمیز به مطبوعات ایران

در الواح دوره هخامنشیان اخبار جنگ اوضاع داخلی و بسیاری موارد دیگر نوشته می شد. اولین اخبار خشونت آمیز اخبار جنگی است. اما اگر روزنامه به معنای واقعی آن را از زمان انتشار روزنامه «کاغذ اخبار» بدانیم، در آن خبری از رویدادهای خشونت آمیز نبود. و هر اخباری از داخل و معدودی از خارج منتشر می کرد. رونامه وقایع اتفاقیه نیز هم به اخبار داخلی و هم به اخبار خارجی توجه داشت. شیوه پخش خبر از این روزنامه بدین ترتیب بود که هر یک از حکام ولایت ایران مهمترین وقایع ناحیه خود را به مرکز و به اداره روزنامه

---

<sup>10</sup> - Le petit Journal

<sup>11</sup> - Troppmann

<sup>12</sup> - yellow journalism

<sup>13</sup> - Joseph Pulitzer

<sup>14</sup> - William Randolph Herst

<sup>15</sup> - Jazz Journalism

می‌فرستاد تا در آنجا چاپ شود. گاه در میان بعضی از اخبار، خبرهای حاوی برخورد نیز به چشم می‌خورد.  
(همان: ۲۰)

نمونه‌ای از اولین اخبار جرم در روزنامه‌های ایران به نقل از شماره ۴۴۷ وقایع اتفاقیه - صفحه ۲:

«یزد: نوشته‌اند که شخصی در لباس زنانه با چادر در بازار رفته از صراف‌ی جویای اشرفی شده است که اشرفی زیاد می‌خواهم از صدا و حرکات او پاره‌ای اشخاص فهمیده بودند که آن شخص مرد است و چادر بر سر کرده از عقب او رفته بودند تا درب مسجد خرابه‌ای ظن ایشان به یقین پیوسته روبند از رویش برداشته دیده‌اند که ریشی دارد انبوه او را نزد صاحب دیوان برده‌اند عرض کرده است اهل اصفهانم و از دست زخم فرار کرده به مشهد می‌روم چون در این ولایت جمعی مرا می‌شناسند به این لباس ملبس شده‌ام که پنهان باشم چون کذب قولش ظاهر بود او را نگاه داشته‌اند که معلوم شود خیالش از آن حيله چه بوده است». (همان: ۲۳)

در میان دو روزنامه اطلاعات و کیهان اطلاعات به دلیل قدمت خود انتشار این گونه مطالب را زودتر آغاز کرد. مثلاً این روزنامه در شماره ۷۰ خود در آبان ۱۳۰۵ خبر سوقصد به آیت‌الله مدرس را به تفصیل منتشر ساخت که ظاهراً توسط مدیر اطلاعات تهیه شده بود. (همان: ۲۳)

البته بررسی تاریخچه اخبار جرم و حوادث در ایران خود مطالعه تاریخی خاص و گسترده دیگری را می‌طلبد که خارج از چارچوب طرح حاضر است.

## **پیشینه پژوهش**

مطالعه تصاویر رسانه‌ای از جرایم بیش از ۳۰ سال بعد از ظهور اولین موج مطالعات جرم‌شناسی و رسانه‌ای در بریتانیا به وجود آمد. پژوهشگران رسانه‌ای و جرم‌شناسانی همچون چینبال<sup>۱۶</sup> در ۱۹۷۷؛ کوهن<sup>۱۷</sup> در ۱۹۷۱؛ کوهن و یونگ<sup>۱۸</sup> در ۱۹۷۳؛ گروه رسانه‌ای دانشگاه گلاسگو<sup>۱۹</sup> در ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹، هال<sup>۲۰</sup>، کریچر<sup>۲۱</sup>، جفرسون<sup>۲۲</sup>، کلارک<sup>۲۳</sup> و روبرت<sup>۲۴</sup> در ۱۹۷۸؛ و روشیر<sup>۲۵</sup> در ۱۹۷۳ اولین پژوهش‌ها در این زمینه را انجام دادند.

(Dowler and Fleming, 2006:839)

به گفته کید هویت و اسبورن<sup>۲۶</sup> رویکرد جرم‌شناسانه به مطالعه جرم و رسانه‌ها از چهار پرسش اصلی تشکیل شده است: اول آیا رسانه‌ها با به تصویر کشیدن جرم، پرخاشگری، خشونت و مرگ باعث بروز رفتارهای مجرمانه و منحرفانه در میان مخاطبان می‌شوند؟ دوم اینکه آیا رسانه‌ها از افراد و گروه‌ها تصاویر قالبی غیرعادلانه‌ای ترسیم می‌کنند؟ سوم اینکه آیا رسانه‌ها باعث ایجاد ترس اخلاقی حول برخی گروه‌ها و مصنوعات می‌شوند و ترس از جرم را تشدید می‌کنند؟ و چهارم آیا جرایم واقعی و جرایم داستانی<sup>۲۷</sup> به شیوه‌ای یکسان بر افراد جامعه تاثیر می‌گذارند؟ کید هویت پرسش اول را که به مبحث تأثیرات رسانه می‌پردازد، پرسش طلایی<sup>۲۸</sup> می‌نامد. این پرسش در پی تأثیرات بالقوه تصاویر رسانه‌ای از جرم و تمایلات جنسی (یا انحرافات جنسی) بر مخاطبان بویژه کودکان و نوجوانان است. (Brawn, 2003:58)

---

<sup>16</sup> - Chinbal

<sup>17</sup> - Cohen

<sup>18</sup> - Young

<sup>19</sup> - Glasgow University Media Group

<sup>20</sup> - Hall

<sup>21</sup> - Critcher

<sup>22</sup> - Jefferson

<sup>23</sup> - Clark

<sup>24</sup> - Robert

<sup>25</sup> - Roshier

<sup>26</sup> - Kidd Hewitt & Osborne

<sup>27</sup> - fiction crime

<sup>28</sup> - golden question

یکی دیگر از موضوعات مهم در جرم‌شناسی بررسی انتقادی پوشش رسانه‌های خبری از جرم و مطالب مجرمانه است. این حوزه پژوهشی که به تولید آثاری غنی در این زمینه پرداخته است، گزارشگری رسانه‌ای را به جنبه‌های ساختاری و نهادی کنترل اجتماعی و استیلای هژمونیک و نیز دلالت‌های فرهنگی گسترده‌تر مربوط می‌سازد. در جرم‌شناسی انتقادی چنین مطالعاتی در مورد رسانه‌ها و جرم‌انگاری جوانان، سیاهان و عنصری اساسی برای درک تولید اجتماعی خبر بوده است. (Ibid:62) تحلیل محتوای خبری رسانه‌ها با استفاده از روش‌شناسی‌هایی که هرکدام درجات مختلفی از پیچیدگی را دارا هستند، روش معمولی اینگونه مطالعات بوده است. چنین تحلیل‌هایی اغلب به نتایج جالبی دست می‌یافت که مفروضات عقل سلیم درباره مفاهیمی از قبیل عینیت و سوگیری را زیر سوال می‌برد. خاصه این مطالعات اغراق کمی رسانه‌ها درباره برخی جرایم و بخش‌هایی از جامعه (بویژه در مورد جرایم خشونت آمیز) و نیز برچسب‌زنی‌های تحقیرآمیز رسانه‌ها به برخی افراد و گروه‌ها با استفاده از تصاویر زبانی هوچیگرانه و زننده را مورد تأکید قرار می‌دهد.

از دیگر موضوعات مورد تأکید در این مطالعات «فرایند سازمانی تولید اخبار جرم و ضرورت‌های حرفه‌ای» است که این فرایندها را شکل می‌دهد و نهایتاً به تأکیدات نامتناسب و نامتوازن رسانه در مورد برخی از جرایم برحسب ارزش‌های خبری می‌شود.

مرکز مطالعات فرهنگی معاصر<sup>29</sup> نیز به خاطر پژوهشی که در دهه هفتاد از دید هرمونیک درباره بازنمایی انحرافات در رسانه‌ها انجام داد مشهور شد.

در اینجا به چند نمونه از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود که هم ارتباط محتوایی و روش‌شناختی بیشتری با طرح پژوهشی کنونی دارند و هم جدیدتر هستند.

---

<sup>29</sup> - the centre for contemporary cultural studies

استیون ام چرمارک<sup>30</sup> در ۱۹۹۴ در پژوهشی به بررسی این مسئله پرداخت که فرایند تولید خبر چگونه بازتاب جرایم در رسانه‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. وی برای این کار از دو روش تحلیل محتوا و قوم‌نگاری استفاده کرد. او از تحلیل محتوا برای بررسی نحوه بازتاب جرایم در اخبار و از قوم‌نگاری برای پژوهش پیرامون اینکه سازمان‌های خبری چگونه مطالب خبری مربوط به جرایم را تولید می‌کنند، استفاده کرد. در این پژوهش شش شهر به مقولات متوسط، بزرگ و کلان‌شهر تقسیم شده است و روزنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی این شش شهر با هم مقایسه شده‌اند. چرمارک در این پژوهش نظر گزارشگران و خبرنگاران حوزه جرایم را درباره دلیل استیلای اخبار جرم بر دیگر اخبار جویا شده است. اکثراً در پاسخ به او به «ارزش سرگرمی جرایم» اشاره کرده‌اند.

یافته‌ها این پژوهش نشان می‌دهد که «جدی بودن» متغیر و ارزش خبری مهمی است که می‌تواند تصمیمات دست اندرکاران رسانه‌های خبری در زمینه گزینش و تولید اخبار را تحت تاثیر قرار دهد. قتل، تجاوز و سرقت از جمله جرایم جدی محسوب می‌شوند که توجه رسانه‌ها را بیش از دیگر جرایم برمی‌انگیزند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جرم قتل یک چهارم کل اخبار و مطالب مربوط به جرایم را به خود اختصاص داده است. البته یافته‌های پژوهش چرمارک حکایت از آن دارد که میزان جدی بودن یک جرم تنها عامل تعیین‌کننده برای پوشش خبری آن نیست. از دید روزنامه‌نگاران همه قتل‌ها از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند چرا که همه آنها از ارزش سرگرمی یکسانی برخوردار نیستند. این پژوهش نشان می‌دهد که جرایم بدون قربانی به لحاظ پوشش خبری رتبه سوم را به خود اختصاص داده‌اند. جرایم گروهی و یقه سفیدها در رده بعدی قرار دارند. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که رسانه‌های چاپی و الکترونیکی در انعکاس برخی جرایم مشابه و در مورد برخی دیگر از جرایم متفاوت عمل می‌کنند. قتل، مواد مخدر و جرایم مالکیتی در هر دو نوع رسانه‌ها (روزنامه‌ها

---

<sup>30</sup> - Steven M. Chermak



و رادیو و تلویزیون) از اهمیت مشابهی برخوردار است. اما دو مقوله جرایم یقه سفیدها و جرایم گروهی تأکیدات متفاوتی را دریافت می‌دارند. جرایم یقه سفیدها یازده درصد از کل مطالب و اخبار مربوط به جرایم در روزنامه‌ها را به خود اختصاص داده بود. بدین ترتیب جرایم یقه سفیدها در میان دیگر جرایم «چهارم» است. نتایج نشان می‌دهد انعکاس جرایم گروهی در تلویزیون دو برابر رسانه‌های دیگر است.

(Chermark, 1994: 561-582)

شلی راجرز<sup>۳۱</sup> نیز در پژوهشی اخبار جرم روزنامه لوس آنجلس تایمز یکی از پرتیراژترین روزنامه آمریکا (۱/۱ میلیون نسخه در روز) را مورد بررسی قرار داد. وی مطالب لوس آنجلس تایمز را در پاییز ۱۹۹۷ تحلیل محتوا کرد. ۲۹ شماره از روزنامه را به طور تصادفی انتخاب کرد (از آگوست ۱۹۹۷ تا ژولای ۱۹۹۸). تمام مطالب مربوط به جرایم در این نمونه (۴۱۶ مطلب) مورد بررسی قرار گرفت. یکی از موضوعات مورد بررسی در این پژوهش این بود که جرایم در کدام یک از این چارچوب‌ها گزارش شده است:

- چارچوب جنجال‌آمیز،

- چارچوب گله و شکایت: مسئولیت جرم را بر گردن کسی انداختن

- ارائه راه‌حل

چارچوب سلامت همگانی<sup>۳۲</sup> نیز دارای عناصر زیر است:

۱- اشاره به تأثیرات اقتصادی و هزینه‌های پولی: (مثلاً، هزینه مراقبت‌های

پزشکی، از دست دادن ارزش مالکیت و...)

---

<sup>31</sup> - Shelly Rodgers

<sup>32</sup> - Public Health

۲- اشاره به تاثیرات روانی: مثلاً اینکه کودکان، خانواده‌ها، و وابستگان قربانی چگونه تحت تأثیر جرایم قرار می‌گیرند.

۳- اشاره به عوامل علی و مخاطرات (مثلاً وضعیت شغلی، درآمد، مصرف مواد یا الکل، تبعیض و...)

۴- اشاره به پیامدها: چه کسی از فرزندان مجرم یا قربانی نگهداری خواهد کرد و اجاره مسکن آنها را خواهد پرداخت؟  
نتایج این پژوهش بدین ترتیب بود:

۱- در روزنامه مورد بررسی فراوانی اخبار و مطالب مربوط به جرم از فراوانی دیگر موضوعات مورد پوشش مانند آموزش، سلامت و تجارت بیشتر بود.

۲- جرایم عمدتاً به شیوه‌ای رویدادمدار منعکس شده بودند

۳- جرم قتل بیشترین اخبار و مطالب مربوط به جرایم را به خود اختصاص داده بود. قتل ۱۸ درصد از کل مطالب مربوط به جرایم را از آن خود کرده بود در حالیکه بنا بر آمارهای رسمی در دوره مورد بررسی جرم قتل فقط یک درصد کل جرایم را شامل می‌شده است.

جرایم بیشتر در چارچوب جنجال‌برانگیزی و گله و شکایت گزارش شده بودند تا چارچوب ارائه راه حل.  
(Rodgers, 2001: 169-182)

الیزابت گرب<sup>۳۳</sup> و همکارانش نیز با انجام پژوهشی در صدد آزمون فرضیه معروف به «برخورد جوانمردانه»<sup>۳۴</sup> برآمد. نظریه «برخورد جوانمردانه» توسط جرم‌شناسان توسعه پیدا کرد. آنها بر این باور بودند که چون زنان به

---

<sup>33</sup> - Elizabeth Grabe

<sup>34</sup> - Chivalry Hypothesis

عنوان افرادی ضعیف و فاقد عقلانیت تصور می‌شوند جریان قانون هم با شیوه ملایم‌تری با آنان برخورد می‌کند. بعدها پژوهش‌های دیگری شواهدی را به دست داد که نشان می‌داد برخورد روزنامه‌نگاران با زنان هم از همین الگو تبعیت می‌کند. برای این منظور، گرب و همکارانش یک دوره شش ماهه از نسخه‌های چاپی هرالد تایمز (نوامبر ۲۰۰۱ تا ۳۰ آوریل ۲۰۰۲) تحلیل محتوا کردند. داده‌های پژوهش آنها از طریق کل‌شماری به دست آمد و نه نمونه‌گیری.

یافته‌های این پژوهش حاکی از تأیید نظریه برخورد جوانمردانه با زنان است، چرا که تحلیل‌های آماری داده‌ها نشان می‌داد که رسانه‌ها جرایم زنان را کمتر از جرایم مردان پوشش می‌دهند. اما وقتی که زنان مرتکب جرایم خشونت‌آمیز و یا جرایمی علیه کودکان می‌شوند، این قضیه صادق نیست. در این موارد زنان برخورد‌های روزنامه‌نگارانه شدیدتری دریافت می‌دارند. انجام چنین جرایمی از نظر رسانه‌ها نقض کلیشه‌های جنسیتی به شمار می‌رود. به همین دلیل اگر چنین جرایمی از سوی مردان صورت گیرد توجه رسانه‌ای کمتری را برمی‌انگیزد. اما اگر زنان مرتکب آن شوند به شدت مورد توجه رسانه‌ها واقع می‌شوند. تداوم چنین روندی فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی را در میان مخاطبان تقویت می‌کند. قسمت دردرساز مسئله اینجاست که پوشش رسانه‌ای جرایم بر نگرانی‌های عمومی تأثیرگذار است، که این امر به نوبه خود با کنش سیاسی و فشار بر مقامات سیاسی برای ارائه راه حل در ارتباط است.

به نظر گرب و همکارانش پوشش رسانه‌ای که زنان مجرم را به عنوان افرادی خطرناک، متخلف و منفعت‌طلب معرفی می‌کند، ممکن است نحوه مجازات آنها در نظام قضایی را تحت‌الشعاع قرار داده و یا شاید توجیه خشونت علیه زنان را به همراه داشته باشد.

این پژوهشگران در تبیین یافته‌های خود اظهار می‌دارند علیرغم اینکه نسبت زنان روزنامه‌نگار شاغل در رسانه‌ها روز به روز در حال افزایش است، اما آنها همچنان به عنوان یک اقلیت باقی مانده‌اند. هرچه که نسبت جنسیتی روزنامه‌نگاران متعادل‌تر شود، محتوای رسانه‌ها هم ممکن است از این لحاظ متوازن‌تر شود. اما شواهد حاکی از آن است که روزنامه‌نگاران زن هم نسبت به زنان مجرم برخورد شدیدتری دارند. آنها علیرغم رویه‌های حرفه‌ای شان در مورد ارائه اطلاعاتی عاری از ارزش و واقع‌گرایانه حاضر نیستند از کنار رویدادها و فرایندهای مربوط به ارزش‌های اجتماعی و همگانی بی تفاوت بگذرند. از این منظر نقش‌های جنسیتی را که برای قرن‌ها پابرجا بوده است، نمی‌توان با افزایش تعداد زنان روزنامه‌نگار تغییر داد. (Grabe, 2006: 137-163)

در ادامه به چند پژوهش مشابه که در ایران انجام شده است، اشاره می‌شود. البته پژوهش‌هایی که با محوریت اخبار جرم در ایران صورت گرفته است، بسیار معدود و ناچیز است.

گیتا علی آبادی در رساله کارشناسی ارشد خود در سال ۱۳۷۲ به بررسی تطبیقی اخبار و حوادث و منازعات در روزنامه‌های تهران پرداخته است. وی برای این منظور روزنامه‌های اطلاعات و کیهان در سالهای ۱۳۵۱، ۱۳۶۱ و ۱۳۷۱ را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. وی در پژوهش خود دریافت که:

- با توجه به تفاوت ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ارزش‌های حاکم در سه دوره مورد بررسی، تفاوت قابل ملاحظه و معنی‌داری بین مطالب حوادث و منازعات روزنامه‌ها سه دوره یادشده مشاهده می‌شود.

- با توجه به تفاوت ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ارزش‌های حاکم در سال ۱۳۵۱ و مشابهت امکانات کیفی و کمی دو روزنامه کیهان و اطلاعات، تفاوت قابل ملاحظه و معنی‌داری در گزینش مطالب حوادث و منازعات در دو روزنامه مورد بررسی مشاهده نمی‌شود.